

مقدمه

به عنوان یک مقدمه مختصر و مفید، می‌توان این چند نکته را گفت:

۱. از آنجا که هدف تدوین این کتاب، آشنایی با متون معاصر عرب و قرائت و فهم این متون است، همه متون اصلی و مثالهایی که در پاورقی آورده‌ایم، از نویسندگان معاصر عرب انتخاب شده است.

۲. تجربه نشان داده است که برای خواندن و فهم هر متن فقط یک راه وجود دارد و آن تمرین، ممارست و قرائت مکرر است؛ بنابراین یادگیری قواعد صرفی و نحوی پیچیده و مفصل فقط گوشه‌ای از مشکل آن عده از دانشجویان را که از خواندن و فهم متون عربی ناتوانند، حل خواهد کرد.

۳. در شرح لغات، ارجاعاتی به فرهنگهای لغت شده است؛ پیشنهاد می‌شود دانشجویان محترم حتماً به این فرهنگها مراجعه کنند تا با حوزه کاری هر فرهنگ لغت آشنا شوند و تفاوت آن را با دیگر فرهنگهایی که در اختیار دارند بیابند.

توجه داشته باشید این تصور که می‌توان با در اختیار داشتن یک یا حتی ده فرهنگ لغت همه متون ادبی، سیاسی، اقتصادی، مطبوعاتی، و ... موجود در یک زبان را خواند و فهمید، توهمی بیش نیست. توجه به این نکته نیز ضروری است که گاهی فرهنگ لغت نه تنها کمک کار نیست بلکه ممکن است گمراه کننده نیز باشد؛ زیرا گاهی باید معادل درست یک کلمه را نه از روی فرهنگ لغت بلکه از سیاق عبارت و قرینه‌های موجود در متن یافت.

۴. همه جملاتی را که برای نمونه در پاورقی آمده است، ترجمه کنید.

۵. همه تکالیف ضمن توضیحات متن را با حوصله انجام دهید.

۶. جدولی از ساختار جملاتی که در کتاب آمده است و نیز ساختارهایی که در قرائت متون به آنها برخورد می‌کنید تهیه کنید و نمونه‌های بیشتری برای آنها از متون دیگر استخراج و یادداشت کنید.

۷. به استادان محترم پیشنهاد می‌شود حل تمرین بند ۶ را به دانشجویان تکلیف کنند؛ هر کدام از دانشجویان یک یا دو ساختار را در یک یا دو کتاب از یکی از نویسندگان معاصر پیدا و ترجمه کنند و نتیجه کار خود را در کلاس به اطلاع دانشجویان دیگر برسانند.

۸. چون هدف از تدوین مطالب، قرائت و فهم متون است، نه ترجمه آنها — به معنای اصطلاحی کلمه — ممکن است برخی معادلهای چندان شیوا و زیبا انتخاب نشده باشد.

۹. از آنجا که گاهی کلمه‌ای به شکل‌های متفاوت خوانده می‌شود و معانی متفاوتی می‌یابد، هر از گاه همشکل‌های یک کلمه را آورده‌ایم. به این مثالها توجه کنید:

۱. خرد: خَرَد، خُرَد، خَرْد (بخورَد)، خَرْدُ (بِخَرْدُ).

۲. هم: هُم، هَمَّ، هَمَّ، هِمَّ.

۳. بعد: بَعْد، بَعْدُ، بَعْدُ، بَعْدُ، بَعْدُ.

۱۰. به دانشجویان محترم پیشنهاد می‌شود اصل و ترجمه کتابهایی را که مترجمان صاحب تجربه ترجمه کرده‌اند، به صورت مقابله‌ای مطالعه کنند. از این راه مطالب سودمند فراوانی می‌توان آموخت که با خواندن

قواعد و مراجعه به فرهنگ لغت به دست نمی‌آید.

۱۱. فهرستی از ساختارهایی که در کتاب آمده، تنظیم شده است. مراجعه به این فهرست و استفاده از آن، برای دانشجویان محترم مفید خواهد بود.

۱۲. ظاهراً تا کنون کتابی با این روش برای چنین هدفی تدوین نشده است؛ بنابراین بدیهی است که این کتاب خالی از اشکال نیست. از آنان که منت می‌نهند و راهنمایی می‌کنند بسیار سپاسگزاریم.

مؤلفان

اسفند ۱۳۸۰

آشنایی کوتاه با چند فرهنگ لغت عربی - فارسی^۱

می‌دانیم که هر فرهنگ لغتی حوزه کاربری و دامنه استفاده خاصی دارد. هم از این روست که هرگز نمی‌توان یک متن کهن ادبی را به کمک فرهنگ لغت معاصری مانند نوین یا معاصر فهمید و فهماند؛ همچنان که درک و برگردان یک متن اقتصادی یا سیاسی امروزی به کمک *لسان العرب* یا *صاحح ممکن* نیست؛ به عنوان نمونه واژه‌های «هاتف، قاعده و تقاعد» را در چند فرهنگ عربی کهن و امروزی ببینید.

نیز می‌دانیم که اهل یک زبان، واژه‌ها را در معانی گوناگون به کار می‌برند و فرهنگ‌نویسان پس از کاربرد اهل زبان معنا و معادل واژه‌ها و نحوه کاربرد آنها را در فرهنگ لغت، ثبت و ضبط می‌کنند. پس فرهنگ‌نویس در کار خود، تابع اهل زبان است.

در تنظیم و ترتیب واژه‌های فرهنگهای لغت عربی، دو شیوه رایجتر بوده است: یکی روش نسبتاً کهن «ریشه‌ای» و دیگری روش معاصر «الفبایی». در روش ریشه‌ای، که با اشتقاقی بودن زبان عربی مرتبط است، ملاک ورود واژه به فرهنگ لغت و ترتیب و تنظیم آن، ریشه واژه است؛ اما در روش الفبایی، واژه‌ها بر اساس ترتیب الفبایی از پی هم می‌آیند. در روش ریشه‌ای، اندکی اطلاعات صرفی و اعلالی لازم است تا ریشه کلمه را بیابیم و سپس طبق حرف اول و دوم و ... آن واژه را جستجو کنیم. پس از یافتن واژه، تمامی خویشاوندان آن یکجا پیش چشم مراجع کننده حاضر است و درک حوزه معنایی و معادل‌یابی برای آن واژه آسانتر صورت می‌گیرد. در حالی که در شیوه الفبایی چنین مزیتی دیده نمی‌شود؛ هرچند که در مقابل، روش الفبایی

۱. در این مقدمه کوتاه مجال معرفی واژه‌نامه‌های عربی - عربی فراهم نیست. استادان محترم می‌توانند مراجعه به چند فرهنگ عربی - عربی و یادداشت‌برداری از آنها را به دانشجویان تکلیف کنند. دانشجویان محترم نیز توجه داشته باشند که با مطالعه کلیاتی که در این مقدمه آمده است، تنها می‌توانند با اصول کلی برخی فرهنگهای لغت آشنا شوند و از این آشنایی، هنگام مراجعه به دیگر واژه‌نامه‌ها سود جویند تا بتوانند حوزه کاری هر یک و ویژگیها و تفاوتهای آنها را دریابند.

به دانشجویان محترم پیشنهاد می‌شود به فرهنگهای معرفی شده در این مقدمه مراجعه کنند و چند نکته ناگفته دیگر را درباره آنها خود دریابند.

به داشتن اطلاعات صرفی و اعلالی نیاز ندارد.

در هر حال ما در اینجا بر اساس همین دو شیوه، فرهنگهای عربی - فارسی معاصر را به دو دسته تقسیم می‌کنیم. فرهنگهایی که معرفی می‌شوند در قرائت متون عربی امروزی کاربرد و کارایی بیشتری دارند؛ اما نباید تصور شود که در قرائت متون معاصر با مراجعه به این چند فرهنگ، از دیگر کتابهای لغت بی‌نیازیم.

الف) فرهنگهای ریشه‌ای

۱. فرهنگ نوین (القاموس العصری): نوشته الیاس أنطوان الیاس. سید مصطفی طباطبایی آن را به فارسی ترجمه و کتابفروشی اسلامیة چاپ کرده است.

- مترجم در بیشتر جاها پیش از دادن معادل فارسی واژه عربی، تفسیر و توضیح و مترادف عربی آن واژه را نیز آورده است: بابوج: حُفّ، مُزّ= دمپایی، نعلین. پس در این گونه موارد، گویی مراجعه کننده دو فرهنگ لغت پیش رو دارد: عربی - عربی و عربی - فارسی.

- ستاره کوچکی که در سمت راست هر ریشه آمده، نشان آغاز آن ریشه و مشتقاتش و وسیله جدا کردن آن از ریشه و واژه‌های پیشین است.

- کلمات معتلّ، مزید و م‌شدّد با نشان «فی» و سپس ریشه - که هر دو داخل پرانتز آمده است - به اصلشان ارجاع شده‌اند: «أباد» (فی بید)، «بطّ» (فی بطط). حرف م‌شدّد دو حرف به حساب آمده و مثلاً «سرّ» در «س - ر - ر» یعنی پس از «س - ر - د» آمده است.

- حروف و ادوات که اغلب بی‌ریشه‌اند، نیز کلمه‌های غیر عربی که در عربی به کار می‌روند و همچنین کلمه‌های عربی دارای ریشه نامعلوم، در جای خود و با رعایت ترتیب الفبایی آمده‌اند؛ مثلاً «بنوس» پس از ریشه «ابن» و «لو، هل و لیس» هر کدام در ترتیب الفبایی خود قرار گرفته‌اند؛ اما گاه برای چنین کلماتی، «ریشه‌ای فرضی» در نظر گرفته می‌شود؛ مثلاً «إجّاص» در «أ - ج - ص»، «آجرّ» در «أ - ج - ر» (مقایسه کنید با المعجم الوسیط که در «أ - ج - آمده» و «باطیه» (بادیه فارسی) در «ب - ط - ی» آمده‌اند. خط تیره (-) نشانه تکرار کلمه است.

- کلمات رایج در م‌صر با نشان دایره یا مثلث # (أ سطی: معلّم = استاد)، واژه‌های متداول در سوریه با نشان اختصاری «س» (جارور (س): دُرّج = کشوی میز) و کلمه‌های رایج در عراق با علامت «ع» (مرصاع (ع): دوأمّة = فریره) مشخص شده‌اند.

- کلمات معرّب، اعم از غلّم و غیر غلّم، با نشان دایره کوچک در سمت راست کلمه معین شده‌اند: آپولون: أحد أرباب إلا غریق أو الرومان.

- اعداد ۱ و ۲ و ۳ و ... در داخل پرانتز و پس از یک کلمه، نشانه آن است که آن کلمه در چند معنی به کار رفته است: جلسه: جلوس، مجلس (۱) = نشستن / - : مجلس (۲): اجتماع = انجمن، مجمع / - : مجلس (۳): موضع الجلوس = جای نشستن.

- اگر واژه یا ترکیبی مربوط به فن یا دانش خاصی باشد، معمولاً در داخل پرانتز و در جلوی آن به آن فن یا دانش اشاره می‌شود: مرصد (علم الفلك).

- به جمع مکسر اسمها اشاره نشده که البته جای اشاره کردن داشت.
 - شماری از واژه‌ها، ترکیبات و اصطلاحات مورد نیاز در زبان روزمره فارسی در این فرهنگ آمده است: أخذ علی خاطره: [بهبش] برخورد، أفرغ جعبه کلامه: گفتنیها را گفت، ما علیک بکذا: اهمیت ندارد.
 - این واژه‌نامه از دادن اطلاعاتی درباره قواعد صرفی عربی - که معمولاً بیشتر فرهنگهای عربی است - خودداری کرده است.

۲. فرهنگ المنجد: اصل عربی - عربی این واژه‌نامه در دو بخش لغت^۲ و اعلام، ترتیب یافته است. بخش لغت را لوئیس معلوف و قسمت اعلام را فردینان توتل گردآوری و تنظیم کرده‌اند و «دارالمشرق» بیروت آن را به چاپ رسانده است. بخش لغت را آقای محمد بندرریگی به فارسی برگردانده و مؤسسه انتشاراتی ایران آن را چاپ کرده است:

- در هر ریشه فعلی ابتدا ماضی ثلاثی مجرد، سپس حرکت عین الفعل مضارع و بعد مصدر یا مصدر آن با تنوین نصب درج می‌شود. سپس ابواب مزید آن ریشه آورده می‌شود. پس از آن اسم یا اسمهای مشتق از آن ریشه همراه با علامت اختصاصی اسم (ال) قرار می‌گیرد. هنگامی که یک ریشه در بابها و اوزان مختلف معانی متفاوت دارد، شماره‌های ۱ و ۲ و ۳ و ... جدا کننده آنهاست؛ برای نمونه به «ح - ب - ب» مراجعه کنید.
 - در مورد واژه‌های غیر عربی یا کلمات عربی که نمی‌توان برایشان ریشه‌ای تعیین کرد، ترتیب ضبط اغلب الفبایی یعنی بر مبنای سه یا چهار حرف اول است؛ مثلاً «المتر» (meter) در «م - ت - ر» و «مالج» (معرّب ماله فارسی) در «م - ا - ل» آمده است.

- در برخی فعلهای ثلاثی مجرد، پس از آمدن شرح یا معادل آن، با استفاده از لفظ «فَهُوَ» به وصف (صفت فاعلی) آن فعل (گاه مذکر و گاه هم مذکر و هم مؤنث) و سپس جمع مکسر آن اشاره می‌شود؛ برای نمونه به ریشه «ح - ج - ج» نگاه کنید؛ ولی از صفت فاعلی (و صف افعال غیر ثلاثی مجرد - چون قیاسی است - نشانی نیست.

- فعل مضاعف ثلاثی در ریشه‌هایی که در اولین و دومین حرفشان اشتراک دارند، ابتدا آمده است؛ مثلاً «مدت» پیش از «مدح» آمده است.

- رباعیها، اعم از مضاعف و غیر مضاعف، به اصل ثلاثی برگشت داده شده و در ماده ثلاثی جستجو می‌شود؛ مثلاً «صَمَصَم» در ریشه «ص - م - م» و «دَحْرَج» در ریشه «د - ح - ر» قرار گرفته است.
 - در بیشتر موارد، کلماتی که همراه فعل به عنوان فاعل یا مفعول یا مجرور به حرف جرّ می‌آید، خاص آن فعل نیست و فقط به عنوان نمونه آمده است. اما مواردی نیز هست که کلمه مذکور پس از فعل، خاص آن فعل است؛ مثلاً به «رغاً - رُغَاءُ البعیرُ أو النعامُ أو الضبَعُ» نگاه کنید.

- وقتی «ها»ی ضمیر (ه) بلافاصله یا به فاصله حرف جرّی پس از فعل قرار می‌گیرد، نشان‌دهنده متعدی بودن آن فعل است و مرجع آن ضمیر می‌تواند هر انسانی باشد. گاهی هم واژه «الشئیء» پس از فعل قرار می‌گیرد که هر چیزی می‌تواند جانشین آن شود (ر. ک.: ردّ - ردّاً).

- اگر واژه‌ای دو یا چند ضبط و تلفظ داشته باشد، همه آنها یکجا و در کنار هم می‌آید: «المُتک و المتُک:

^۲ در پایان بخش لغت، چند صفحه‌ای به نام «فراند الأدب» آمده که شامل شماری ضرب‌المثل است که به شیوه ریشه‌ای مرتب شده است.

خرطوم مگس». نیز اگر چند کلمه هم‌ریشه، معنی یکسانی داشته و معادل باشند، با هم می‌آیند: «الفریض و الفرضی و الفراض: کسی که فرائض را می‌شناسد».

- گاه برای تکمیل معنا و متمیم فائده و به طریق استشهاد، برخی اقوال معروف یا پاره‌ای ضرب‌المثلها در شرح و توضیح مدخلها آمده است (برای نمونه به واژه «حابل» مراجعه کنید). علاوه بر این، مترجم خود نیز گاه آیه‌های قرآنی و عبارات نهج‌البلاغه را با ذکر نشانی به عنوان شاهد آورده است (ر. ک.: أجاء یجیء ...).
- مترجم المنجد همچنین برخی غلطهای چاپی و سهوالقلم‌ها را تصحیح و اصلاح کرده و واژه‌های پیوسته پایانی اصل عربی را به داخل فرهنگ حاضر - طبق ترتیب ریشه‌ای - منتقل کرده است (ر. ک.: «التشحیم» در اصل عربی و ترجمه فارسی). مترجم مقدمه المنجد را به فارسی برگردانده ولی مؤخره آن یعنی بخش «فرائد الأدب» را ترجمه نکرده است.

۳. فرهنگ معاصر عربی - فارسی (بر اساس فرهنگ هانس ور): اصل عربی - انگلیسی این فرهنگ یک جلدی غیر مصور انگشتی «Written Arabic A Dictionary of Modern» نام دارد و مترجم آن جناب آذرنوش پس از تبدیل آن به عربی - فارسی، با افزودن پنج تا شش هزار کلمه و اصطلاح به اصل فرهنگ، آن را توسعه داده است. اساس ترتیب و ضبط واژه‌ها، همان نظام کهن فرهنگ‌نگاری عربی یعنی شیوه ریشه‌ای است که به نظر مترجم بر شیوه ترتیب الفبایی ترجیح و برتری دارد. مترجم در ترجمه خود به معادل‌های انگلیسی پایبند نبوده بلکه کوشیده بر اساس «فرهنگ هانس ور» و دیگر واژه‌نامه‌های عربی - انگلیسی و عربی - فرانسه مانند «المورد»، «السبیل» و «المفصل» برای کلمات عربی معادل‌های فارسی دقیق بیابد. این واژه‌نامه از آن جهت که علاوه بر شکل و حرکت گذاری تمامی مدخل‌های اصلی، آنها را با الفبای لاتین آوانگاری کرده، در میان فرهنگ‌های عربی - فارسی بی‌نظیر است.

- ترتیب کار بدین گونه است که نخست ریشه ثلاثی کلمه عرضه شده، سپس ما ضی ثلاثی مجرد و حرکت عین الفعل مضارع و مصدر یا مصدر فعل به همراه آوانگاری لاتین آمده است. در فعل‌های متعدی، مفعول یا مفعولها به صورت ضمیر «ه» قرار گرفته است. هنگامی که فعلی با حرف یا حروف اضافه خاص کاربردها و معانی متفاوت پیدا می‌کند، در معادل‌یابی به این کاربردها و معانی متفاوت توجه شده است (ر. ک.: ضرب). ضمناً معانی و معادل‌های فعل به صورت مصدری است نه به شکل فعل ماضی. پس از آمدن معانی ثلاثی مجرد و نقل و ترجمه چند مثال و اصطلاح، نوبت به ابواب مزید می‌رسد که البته آوانگاری نشده‌اند؛ زیرا قیاسی‌اند و از قاعده کاملاً روشنی پیروی می‌کنند. اسم‌های مستقل بخصوص واژه‌های خارجی که در ترتیب ریشه‌ای جایی ندارند، در ترتیب الفبایی خود قرار گرفته‌اند؛ بنابراین «کادر» و «باریس» را باید در «ک - ا - د - ر» و «ب - ا - ر - ی - س» جست.

- اگر یک مدخل دارای حوزه‌های معنایی متفاوتی باشد، این حوزه‌ها با نقطه‌ویرگول (؛) از هم جدا می‌شوند (ر. ک.: «تحلیل»).

- در فعل‌هایی که گاه لازم و گاه متعدی‌اند، نخست معانی متعدی و سپس معانی لازم فعل می‌آید.
- واژه‌هایی که ریشه مشابه ولی معنای متفاوت دارند، در دو مدخل مستقل قرار گرفته‌اند (ر. ک.: تَرک و تُرک).

- اسمهای «ال» پذیر بدون حرف تعریف «ال» ضبط و مرتب شده‌اند، مگر آنکه ضرورتی ایجاب کند که این گونه اسمها دارای «ال» باشند، مانند اسمهای داخل ترکیبها و عبارات (ر. ک.: امر).

ب) فرهنگهای الفبایی

۱. فرهنگ لاروس: اصل عربی - عربی فرهنگ یکجلدی مصور «لاروس» با عنوان فرعی «المعجم العربی الحدیث» نوشته خلیل الجری لبنانی و چاپ موسسه فرهنگ نگاری لاروس فرانسه است و آقای سید حمید طبیبیان آن را به فارسی برگردانده است.

- اگر مدخلی فعل ثلاثی مجرد باشد، ابتدا ماضی سپس حرکت عین الفعل مضارع و مصدر یا مصدر آن فعل و آنگاه معنی یا معانی آن ضبط و وارد می شود و اگر فعلی با حرف یا حروف جر یا با فاعل یا مفعول خاصی معانی متفاوت پیدا کند، معادل آن فعل با توجه به آنها ارائه می گردد. در مواردی که فعل و اسم هم‌ریشه‌اند، فعل بر اسم مقدم می شود؛ مثلاً «برک» پیش از «البرک» آمده است.

- مدخلهای اسمی اگر با «ال» همراه و جمع مکسر داشته باشند، اغلب جمع مکسر آنها می آید.
- رباعی مضاعف و ملحق به رباعی بدون توجه به اصل و ریشه در ترتیب الفبایی خود می آیند: «الململ» پس از «الملمس» و «الغیلم» در «غ - ی - ل - م».
- در بسیاری موارد به آیات قرآنی، احادیث، روایات و پاره‌ای سخنان معروف و ضرب‌المثلها استناد می شود.

- در کلمات دارای الف مقصوره با کرسی یاء نیز ملاک تنظیم و ضبط واژه، املائی آن است؛ مثلاً «الیسری» بعد از «الیسروع» واقع شده است.

۲. فرهنگ الرائد: مؤلف اصل عربی - عربی این فرهنگ دو جلدی جبران مسعود لبنانی است و آقای رضا انزابی نژاد آن را به فارسی برگردانده است.

- واژه‌ها بر اساس حرف نخستین تنظیم شده‌اند، ولی ریشه آنها به هنگام نیاز ذکر شده است.
- پس از درج فعل ماضی ثلاثی مجرد، مضارع و مصدر یا مصدر آن قرار می گیرد، ولی اگر ماضی مزید باشد فقط مصدر آن ضبط می شود. در هر ریشه، فعل بر اسم و در فعلها مجرد بر مزید مقدم است: «زَلَقَ - ، زَلَقَ - ، زَلَقَ تَزْلِقًا، الزَّقُّ، الزَّقُّ، الزَّقُّ، الزَّقُّ» به ترتیب پشت سر هم آمده‌اند. اسمها همراه با «ال» و غالباً پس از آنها جمع مکسر و مؤنشان ذکر می شود: الأقرم، ج. قُرْم، م. قرماء،

- مانند واژه‌نامه «المنجد»، حرف مشدّد، در ترتیب و تنظیم کلمات، یک حرف به حساب آمده ولی نحوه تنظیم کلمات همزه‌دار با «لاروس» متفاوت است. نیز در کلمات دارای الف مقصوره پایانی با کرسی یاء، ملاک تنظیم، تلفظ است نه املاء؛ مثلاً «الموسی» پیش از «الموسو» قرار گرفته است.

- شرح و معادل‌یابی واژه‌های چندمعنایی با توجه به اهمیت و کاربرد معانی مرتب شده است: الترس: ج. أتراس و تراس و ... (۱) سپر (۲) قرص خورشید (۳) زمین سخت و درشت. (۴) چوب یا قطعه آهنی که برای محکم نگه داشتن پشت در بسته می گذارند.

- معانی تازه برخی واژه‌ها به معانی کهن افزوده شده است: أَرْ ... : أَرْ محرک الطائره: موتور هواپیما

غرید.

۳. فرهنگ اصطلاحات معاصر: گردآوری و ترجمه آقای نجفعلی میرزایی است و دو بخش دارد: بخش عربی - فارسی که تنه اصلی فرهنگ است و بخش فهرست رایانه‌ای فارسی - عربی که جنبه فرعی و تفننی دارد.

- پس از مدخلها که بیشتر ترکیبی اند، حرکت عین الفعل مضارع و مصدر و جمع مکسر و مؤنث ذکر نمی شود. معمولاً یک واژه به عنوان واژه مادر و اصلی می آید و سپس زیرواژه‌ها و ترکیبات آن ذکر می شوند که البته بهتر بود با انتخاب دو قلم متفاوت در حروفچینی، این دو مقوله از هم جدا می شدند.

- در ترجمه فارسی شمار قابل توجهی از مدخلها، چند معادل مترادف در کنار هم قرار گرفته و موجب افزایش حجم فرهنگ شده است: ر. ک.: «احتمل».

- برخی مدخلهای اسمی کتاب شکل جمع دارد و بعد به مفردش ارجاع داده می شود. ظاهراً چنین کاری در فرهنگ‌نگاری عربی مرسوم نیست و معمولاً ملاک ثبت مدخل اسمی، مفرد آن است.

- در اثر حاضر، جای بسیاری از مدخلها و زیرمدخلها و اصطلاحات و ترکیبات کلیدی و غیرکلیدی خالی است.

۴. مجمع اللغات یا فرهنگ مصطلحات: اصل این واژه‌نامه غیر مصور نوشته جروان سابق لبنانی به سه زبان عربی، فرانسه، انگلیسی است و دو فهرست فرانسه و انگلیسی در پایان آن تنظیم یافته است. مرحوم آیت‌الله زاده شیرازی و جناب آذرنوش با ترجمه آن به فارسی از آن یک فرهنگ چهار زبانه ساخته و در پایان فهرستی فارسی برای آن تهیه کرده‌اند.

- در این فرهنگ ابتدا واژه مادر به صورت درشت‌تر و سپس ترکیبات و اصطلاحات و نمونه جمله‌های آن به صورت زیرمدخل درج می شود.

- نیز به سبب ماهیت متفاوت این فرهنگ با فرهنگهای عربی دیگر، در آن نشانی از حرکت عین الفعل مضارع و مصدر و جمع مکسر و مؤنث و صفت فاعلی ریشه‌های ثلاثی و رباعی نمی‌یابیم.

- در این واژه‌نامه بیش از هر فرهنگ مشابه دیگری سعی شده است مفردات و مصطلحات در قالب جمله‌هایی زنده و امروزی به کار روند.

- در مدخلهای اسمی، اسمها با «ال» نمی‌آیند مگر اینکه این کار ضرورتی داشته باشد. ر. ک.: «سلام».

۵. فرهنگ معاصر (عربی - فارسی): این واژه‌نامه یکجلدی غیر مصور تألیف عبدالنبی قیّم است که در ۱۳۸۱ به صورت انگشتی به همت انته‌شارات فرهنگ معا صر به چاپ رسیده است. این فرهنگ ضمن اشمال بر واژگان کهن عربی، فاقد لغات مهجور و متروک است و همچنین مقداری واژه‌های عامیانه - حداکثر چهار درصد کل کتاب - که جنبه عام دارد در آن وارد شده است. منابع اصلی مؤلف، المنجد الأجدی و المورد عربی - انگلیسی (نوشته روحی بعلبکی) است. با این حال مؤلف به طور پراکنده از فرهنگهای لاروس، (المعجم العربی الحدیث)، القاموس العصری و هانسور نیز سود جسته است.

- پس از هر مدخل معمولاً ابتدا ریشه - در صورتی که دارای ریشه عربی باشد - به همراه نوع و مقوله دستوری کلمه (اسم یا فعل یا حرف بودن، لزوم و تعدی یا مجهول - معلوم بودن فعل) و یا زمینه و حوزه و

موضوع یک واژه در میان دو قلاب ذکر می‌شود. آنگاه معادل یا معادل‌های آن می‌آید. البته معانی متفاوت با شماره از هم جدا می‌شوند: ر.ک.: «ظَهَرَ».

- مدخلهایی که دارای چند ضبط و تلفظ هستند، همگی یکجا و در کنار هم می‌آیند: ر.ک.: «أصبح».
 - در ترتیب همزه‌های میانی و پایانی، کرسی آنها ملاک ترتیب و ورود به فرهنگ لغت است. ر.ک.: «مأذون، مؤذن، مؤذنه»؛ ولی در مورد الف ساکنه میانی و همزه میانی با کرسی الف (أ)؛ الف ساکنه بر همزه مقدم است؛ مثلاً «باین» که الف ساکنه میانی دارد پیش از «تأج» که همزه میانی با کرسی الف دارد آمده است. همچنین طبق معمول «أ» و «أ» در واژه‌های آغاز شده با حرف الف از هم جدا شده‌اند و «أ» بر «أ» مقدم است.

- اولین صیغه فعل ماضی به مصدر ترجمه شده نه به فعل گذشته: ذَهَبَ: رفتن.
 - «ال» معرفه ساز بجز مواردی که لازم بوده (مانند الواعی، عِلْم الآثار، کلیة الآداب، الأسبوع الآتی) از آغاز اسمها افتاده است.

- بر خلاف دیگر فرهنگ‌های عربی - عربی و فارسی، برای بیان معانی گوناگون یک فعل، مفعول یا فاعل یا مجرور خاص آن فعل که به عربی بوده حذف شده و به جای آن معادل فارسی‌اش در پرانتز قرار گرفته است. این کار هر چند باعث اختصار گردیده، ولی موجب شده است کاربرد تازه کار بخوبی و به طور کامل کاربرد صحیح فعل را متوجه نشود. نیز به نظر می‌رسد نقش و اهمیت حروف خاص فعل در بخشیدن معنای خاص به افعال، کم‌رنگ جلوه داده شده، زیرا این حروف که به نوعی واسطه ویژه مفعول آنهاست، به طور کامل همراه همه افعال نیامده است: ر.ک.: ضَرَبَ و صَرَفَ. پیدا است که این کار بویژه حذف مفعول با عرف فرهنگ‌نگاری عربی - فارسی ناسازگار است.

- برخی مدخلها به تناسب کاربرد در ترکیبات و عبارات، زیرواژه و واژه فرعی نیز دارند. ر.ک.: «تکوین».
 - تغییر کاربردی فعل از لازم به متعدی و یا برعکس با علامت مشخص شده و نمونه‌های معادلها و توضیحات در میان علامت (...) قرار گرفته است.